

درباره نتایج اخیر پرسپولیس؛ وقتی آمار، نظم و صداقت
نیمکت را تعریف می کند



صفحه ۴

استاندارد اوسمار

شنبه ۱۴۰۵ | ۲۵ آذر ۱۴۰۴ | ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۸۴۸۹ | صفحه ۱۰ هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۹۱ سال و ۱۰۶ روز گذشت |

پژوهش آماری «وطن امروز» درباره میزان نمایش تصاویر
مجرمانه از پدر در سریال های شبکه نمایش خانگی



صفحه ۸

نمایشی علیه خانواده

کسری بودجه کاهنده ارزش پول ملی

یادداشت روز
محمدکاظم انبارلویی

مهم ترین مساله امروز اقتصاد ایران، کاهش روزافزون ارزش پول ملی است و رهبر حکیم انقلاب، بارها در رهنمودهای شان به دولت و فعالان اقتصاد، موضوع ارزش پول ملی و ضرورت تثبیت آن را یادآور شده اند. ریشه این مساله نیز در کسری بودجه قرار دارد. اگر ما کسری داشته باشیم، یک گام بلند برای تثبیت ارزش پول ملی از دست رفته است. بنابراین لازم است حال که بودجه ۱۴۰۵ در حال انباشت، بررسی کنیم کسری بودجه از کجا پدید می آید.

طبق ماده اول قانون محاسبات عمومی، بودجه یعنی «پیش بینی درآمدها و برآورد هزینه ها». اگر دولت در پیش بینی درآمد دچار کم برآوردی شود یا در برآورد هزینه ها بالاتر یا پایین تر از حد واقعی عددی بیاورد، نتیجه آن ناترازی بودجه است. برای مثال، اگر دولت بخش عظیمی از درآمدهای خود را در بودجه نیاورد، طبیعی است دچار کسری بودجه شود.

ماده ۱۱ و ۱۰ قانون محاسبات عمومی تصریح می کند مالیات ها، سود شرکت های دولتی و فروش انحصارات، جزو در آمد عمومی دولت است و باید در درآمدها لحاظ شود. در مالیات ها، در همه جهان نسبتی میان تولید ناخالص ملی و مالیات ستانی وجود دارد. در کشورهای پیشرفته این نسبت حدود ۴۰ درصد است. در کشورهای کمتر پیشرفته ۲۰ درصد اما در کشور ما ۷-۶ درصد! نخستین پرسش این است: چرا دولت در اخذ مالیات هوشمندانه عمل نمی کند؟ بسیاری از بنگاه های اقتصادی سودده در بودجه های سالانه معافند. بزرگ ترین راه درآمد دولت یعنی شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز طبق تصره های بودجه، مالیات نمی دهند! حتی سود سهام این شرکت ها یا بنگاه های بشدت سودده نیز به درآمد عمومی واریز نمی شود. طبیعی است وقتی دولت بخش عظیمی از مالیات ها را دریافت نمی کند یا در بخش خصوصی فرار مالیاتی گسترده وجود دارد، درآمدهای دولت فاقد پایه های لازم می شود؛ پایه هایی که در هر نظام حکمرانی جدی گرفته می شود.

در بخش سود شرکت های دولتی نیز وضع مشابهی وجود دارد. اقتصاد ایران طبق اصل ۴۴، عمدتا دولتی است و برخی اقتصاددانان می گویند ۸۰ درصد اقتصاد دولتی است. دولتی بودن اقتصاد یعنی طبق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون محاسبات، سود سالانه این شرکت ها باید به خزانه عمومی واریز شود. این سود باید جزو درآمد عمومی باشد اما اغلب کمتر از واقع برآورد می شود یا اساسا سودی نمی رسد. نتیجه آن: کسری بودجه!

فروش انحصارات نیز طبق قانون اساسی باید به خزانه واریز شود. اصل ۴۵ قانون اساسی، مشهور به اصل انفال، ده ها ردیف درآمدی را تعریف کرده است از معادن و دریاها و زمین ها تا مراعات و جنگل ها. اینها منابع درآمدی دولت هستند و باید به عنوان ردیف درآمدی در بودجه بیابند اما دولت های پس از انقلاب نه اصل ۴۵ را اجرا کرده اند، نه اصل ۴۴ و نه اصل ۵۳ را که می گوید همه دریافت های دولت باید در خزانه داری کل متمرکز باشد و پرداخت ها نیز از همان جا انجام شود. بنابراین قبل از اینکه با بحران اقتصادی روبه رو باشیم، با بحران مالییه عمومی مواجهیم. مالییه عمومی طبق اصول قانون اساسی در فصل چهارم به طور شفاف بیان شده اما دولت با نقض اصول ۴۵ و ۵۳، همه درآمدهای خود را در بودجه و خزانه داری کل متمرکز نمی کند و همین موجب کسری می شود.

در برآورد هزینه ها نیز خطا وجود دارد، اگر دولت به این مساله اعتنا کند، می تواند جلوی کسری بودجه را بگیرد. امسال طبق اصلاح ماده ۱۸۲ قانون آیین نامه مجلس، دولت باید بودجه را بدون تبصره بیاورد، به دلیل اینکه تبصره ها عاملی برای دور زدن و عدم واریز بخشی از درآمدها است. دولت در تبصره ها برنامه نویسی می کرد، در حالی که برنامه تصویب شده و دولت هنگام ارائه بودجه نباید برنامه بیاورد. هنگام ارائه بودجه فقط باید ۲ ردیف منابع و مصارف را بیاورد؛ درآمدها و هزینه ها؛ دریافت ها و پرداخت ها. مجلس باید این ۲ عدد را صحت سنجی کند و اگر ابزاری داشته باشد، می تواند جلوی کسری بودجه را بگیرد. نخستین گام برای تثبیت ارزش پول ملی، پایان دادن به توهم کسری بودجه است. امیدواریم امسال با همتی که آقایان پزشکيان و قالیباف در دولت و مجلس دارند، این مسیر اصلاح شود و دچار کسری بودجه نشویم.

اجرای بی مناقشه اصول فصل چهارم قانون اساسی در رابطه با برنامه و بودجه، اگر از سوی دولت و مجلس رعایت شود و به نقض قانون اساسی در امور مالی و اقتصادی پایان داده شود، گام بزرگی برای حل مشکلات اقتصادی، بویژه تثبیت ارزش پول ملی برداشته خواهد شد.



«وطن امروز» درباره عوامل جهش نرخ ارز در ماه های اخیر گزارش می دهد

ناترازی مدیریت ارز

نقطه زنی رسانه های

دیوان را هم تهدید کرد و آنها را مورد تحریم های مالی قرار داد! به چه جرمی؟ به این جرم که دیوان کیفری و قضات آن، نتانیاهو را برای نسل کشی مورد تعقیب قرار دادند. اینجاست که باید به این رویه پشت قانون گریزی آمریکا هجوم برد. ۴- نقطه ضعف دیگر دشمنان ایران، سانسور جنایات رژیم صهیونی و کشتار خبرنگاران است. در تازه ترین آمارها تعداد شهدای خبرنگار در غزه به ۲۵۷ نفر رسیده است. این جنایت بزرگ حمله مرگبار به خبرنگاران و رسانه ها باید برای افکار عمومی جهان تبیین شود. نباید گذاشت با بوق های رسانه ای خودشان، صدای حق و حقیقت را ساکت کنند.

اینها تنها مصادیق و نمونه هایی از نقاط ضعف و در واقع عمق ماهیت پلید رژیم صهیونی و قدرت های بین الملل هیچ ابایی ندارند که موازین حقوق غربی است که باید در میدان رسانه مورد آفند قرار گیرد. امروز دشمنان ما در بحران مشروعیت و معنا و منطق هستند و باید اینجا را هدف گرفت و نقطه زنی رسانه ای کرد.

آنه است. اگر به عنوان مثال یک گزارشگر سازمان ملل علیه کشوری مسلمان موضع انتقادی بگیرد، بلافاصله این انتقاد را ضربه می دهند و آن را به یک هشدار و بحران تبدیل می کنند ولی اگر همان گزارشگر سازمان ملل مطلبی علیه جنایات رژیم صهیونی بگوید، بلافاصله او را تهدید و تحریم می کنند، همچنان که آمریکا خاتم «فرانسسکا الیانزه» گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور فلسطین اشغالی را تحریم کرد! این در واقع یک جنایت حقوق بشری علیه یک گزارشگر باوجدان و عادل است و باید مواجهه آمریکا با این نمونه ها را به چالش کشید و آفند رسانه ای کرد.

۳- نقطه ضعف دیگر این است که دشمنان ایران، به رغم ژست حامیان قانون، حقوق بشر و حقوق بین الملل هیچ ابایی ندارند که موازین حقوق بین الملل را به سخره بگیرند یا حتی نهادهای حقوقی بین المللی را به رگبار تهدید و تحریم ببندند! در همین قضایای جنگ غزه، آمریکا «دیوان کیفری بین المللی» را مورد تحریم قرار داد و ۶ قاضی این

صهیونی، پشت سر این ماجرا و معرکه است. اما نکته اصلی این یادداشت این است که برابر هجمه رسانه ای و عملیات روانی دشمنان علیه ایران و مردمی که با بصیرت و اتحاد مقدس، دشمن وحشی را عصبانی کرده اند، نباید به دفاع و پدافند رسانه ای و پاسخ به شبهات اکتفا کرد و باید - همچنان که رهبر حکیم انقلاب فرمودند - به نقاط ضعف دشمن هجوم برد. اما نقاط ضعف دشمنان ایران در شرایط فعلی و در میدان رسانه چیست؟

۱- اولین نقطه ضعف رسانه ای دشمنان ایران، منطق فکری آنهاست. رژیم صهیونی ده ها هزار نفر را در غزه به شهادت رسانده و قدرت های غربی هم حامی اصلی او هستند اما عجیب است که اگر یک نفر به مرگ عادی در یک کشور مستقل از دنیا برود، بلافاصله پروژه تعریف می کنند تا مثلاً آن را یک قتل حکومتی و دولتی جا بزنند! این منطق فریبکارانه باید مورد هدف و شلیک رسانه ای قرار گیرد.

۲- نقطه ضعف دیگر دشمنان ایران در حوزه تبلیغی و رسانه ای، سیاست یک پام و دوهوای

یادداشت
حسام الدین برومند

ناگفته پیداست دشمنان جمهوری اسلامی به جنگ رسانه ای تمام عیار رو آورده اند. از یمین و یسار افکار عمومی را بمباران ذهنی می کنند و شبهه آفرینی گسترده ای را تدارک دیده اند.

یک روز کم آبی را وسیله ای برای «جنگ نرم» علیه مردم ایران می کنند تا از دل آن آشوب و فتنه خلق کنند! روز دیگر دوقطبی های کذابی و الوده را در فضای مجازی و ذهنی طراحی و پمپاژ می کنند تا به انسجام ملی ایران ضربه بزنند و در گام بعد در سودای فتنه آفرینی و آشوب هستند!

اکنون هم به عنوان نمونه حتی اگر در سیدنی استرالیا تیراندازی مرگبار انجام شود، انگشت اتهام را به سمت ایران می گیرند! آن هم در شرایطی که ۲ شهروند استرالیایی با اصالت پاکستانی و الجزایری، مرتکب این تیراندازی شده اند و البته قرائن و شواهد نشان می دهد موساد با هدف مظلوم نمایی برای رژیم

تیتتر های امر وز



عدم تحقق اهداف صهیونیست ها برای اسلام هراسی
و ایران هراسی در جریان حادثه سیدنی

موساد متهم است

گزارش «وطن امروز» از لزوم اتخاذ راهبردهای
استراتژیک در تولید محصولات کشاورزی

امنیت غذایی با کشت فراسرزمینی

گزارش «وطن امروز» درباره کمبود اقلام دارویی
از سوء مدیریت تا عدم تخصیص ارز

سرگیجه دارو

■ سخنگوی سازمان غذا و دارو در گفت و گو با «وطن امروز»:
اکنون به صورت میانگین جز چند قلم
باقی داروها در کشور وجود دارد

نگاهی به اظهارات عجیب عباس آخوندی
درباره موضوع کریدورها

ویژه وزیر راهبندان

وظیفه دولت حمایت است
نه تصدی گری

نگاه
محمد مهدی اسماعیلی*

یکی از مباحث مهم در حوزه مدیریت فرهنگی کشور، افزایش اعتبارات فرهنگی است و متأسفانه در این حوزه از کشورهایی هستیم که طی سالیان متمادی این عقب ماندگی در حوزه بودجه فرهنگ افزایش یافته است. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۴ در وزارت فرهنگ بودجه حوزه کتاب حدود ۲۵۰ میلیارد تومان بود و وزارت فرهنگ ۸۰ میلیارد تومان برای تنظیم گری در حوزه کتاب در اختیار داشت اما سال ۱۴۰۰ که هم زمان با آغاز به کار دولت سیزدهم، امور وزارت فرهنگ را در دست گرفتیم، اقتصاد حوزه کتاب به حدود ۸۵۰۰ میلیارد تومان رسیده بود و بودجه وزارت فرهنگ برای تنظیم گری حوزه کتاب تنها ۳۰ میلیارد تومان بود. مقایسه همین اعداد و ارقام به تنهایی کافی است که نشان دهد با چه بسرفت بزرگی در حوزه مدیریت فرهنگی در حوزه بودجه مواجه بوده ایم! اما اقدام مهم دولت شهید رئیسی در همان ابتدا این مساله بود که در فاصله ای کوتاه تلاش های فراوانی شود تا این عقب ماندگی ها به طور قابل توجهی جبران شود، طوری که بودجه وزارت فرهنگ در فاصله ۳ ساله دولت سیزدهم حدود ۵۰۰ درصد رشد پیدا کرد. اقدام مهم دیگر، اتصال وزارت فرهنگ به ظرفیت مسئولیت های اجتماعی وزارتخانه هایی چون وزارت نفت بود که حدود ۲ هزار میلیارد تومان طی ۲ سال از این محل جذب شد. اقدام بزرگ و بنیادینی که با پیگیری های مکرر به سرانجام رسید تصویب و پیگیری «یک درصد از هزینه های شرکت ها و بانک های دولتی برای فرهنگ» در لایحه برنامه هفتم بود که برآورد آن در سال ۱۴۰۳، رقم امیدوار کننده ۳۶ هزار میلیارد تومان بود که می توانست به حل و فصل مسائل مختلف فرهنگی کمک بسیاری کند اما متأسفانه این روزها اخبار امیدوار کننده ای را در باره ادامه رویکرد دولت سیزدهم در محبت بودجه فرهنگی کشور نمی شنویم. در هر صورت باید اقدامات مهمی انجام شود تا حوزه فرهنگ به معنای واقعی و از جهات مختلف شکوفا شود و رونق یابد، البته این رونق به هیچ عنوان نباید به معنای گسترش تصدی گری دولت در حوزه فرهنگ و هنر باشد، بلکه باید شرایطی فراهم شود تا اقدامات و فعالیت های بخش های خصوصی و انجمن ها و موسسات مرتبط با حوزه های فرهنگی و هنری گسترش یابد و تقویت شود. در واقع وظیفه اصلی دولت در حوزه فرهنگ، تنظیم گری، حمایت و نظارت است، زیرا اگر دولت از فرهنگ حمایت کافی نکند، جریان هایی با نیت مختلف وارد این حوزه می شوند. به عنوان مثال یک بانک خصوصی با نگاه صرفاً اقتصادی اقدام به تأسیس پلتفرم می کند و در نتیجه در حوزه فرهنگی فاجعه می آفرند. در پایان باید گفت دور شدن دولت از تصدی گری و حمایت تمام قد از حوزه فرهنگ تنها راه تعالی فرهنگ و هنر کشور به شمار می رود.

*وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم